

اندیشه تعبد

سیدمیثم میرتاج‌الدینی؛ روزنامه‌نگار

## زائر یا توربست؟!

بارها پیش آمده که با فرار سیدین ماه‌رمضان، افراد زیادی احساس نیاز به قرآن پیدا کرده و دراین سرای بی کسی سراغ اهل فنی را گرفته‌اند تا خاضع و مشتاق از او بخواهند: «این روخوانی عربی آیات، نهایت اگر با ترجمه‌ای خوب هم همراه باشد، دستاورد چندانی برای ما ندارد. ما می‌دانیم قرآن حرفی دارد اما انگار در فرکانسی سخن می‌گوید که گوش ما از شنیدنش ناتوان است. چگونه بخوانیم و بگوییم تا هم فریاد قرآن مهجور نماند و هم ما به جهان آن قدم بگذاریم؟»

اگر به آنها بگویی تفسیر بخوان، می‌نشوی تفسیرها غالباً تخصصی‌اند و فهم‌شان نیازمند مقدمات. بگذریم از اطلاعاتی که بسیاری از آنها دارند و برای آدم‌های عادی گاه ممل است و کسالت‌بار. اگر بگویی پای درس استادی زانوی شاگردی بزنی، خواهی شنید اگر استادش در دسترس باشد و درسش هم برقرار، در این اوضاع که باید آشفت‌ دودید برای تامین نیازهای حیاتی‌تر، فرصت نمی‌شود. تازه بماند که از زبان بزرگی شنیدیم: «من درس‌های تفسیر را می‌دیدم، این درس‌ها در اوج و در نهایت، دایره‌المعارف خوبی بود. قرآن در آن باز نمی‌شد. قرآن در آن تحلیل نمی‌شد. چه بسا من می‌توانستم راجع به هر کلمه قرآن یک جلد کتاب بینم و با بشنوم ولی قرآن برای من موضوع کار می‌شد نه وسیله کار. هدف می‌شد، نه راه. این بزرگ‌ترین انحراف در برخورد با قرآن بود. یل تو را عبور نداده بوده، نرسانده بود، مشغول کرده بود که تحقیق کنی و بررسی علمی کنی. رسول چگونه قرآن را مطرح می‌کرد؟ او درس تفسیر نمی‌گذاشت. اینطور که ما کلاس تفسیر و نهج‌الابلاغه و ایدئولوژی و شناخت مکاتب می‌گذاریم.»

پس چه باید کرد؟ یا باید یک تنه به دریای قرآن زد؛ اما نه بی‌گذار. بی‌گذار به آب و دریای قرآن زدن یعنی ندانیم از قرآن چه می‌خواهیم. بدون سؤال و آگاهی از نیازمان، فقط صفحاتش را تورق کنیم و میان آیتش پرسه بزنیم و نهایت دغدغه ما اتمام جزء امروز باشد. ندانیم از این دریا ماهی می‌خواهیم یا مروارید؟ ندانیم به این بحر، بهر خوش گذرانی و «نتی به آب زدن» وارد شده‌ایم یا ماموریتی ما را به این عقی قرآنی یافتن مود است و به قول حکیمی «به خاطر خالی نبودن عریضه و یا تمین و تبرک و یا داشتن مستندی مردم‌پسند».

بی‌گذار زدن به این اقیانوس، یعنی اگر سؤالی بوده، جوابش را لای حرف‌های دیگران جست‌نایم و اگر نیازی داشته‌ایم آن را با آب و تاب سخنان دیگران اشباع کرده‌ایم و ورودمان به قرآن برای یافتن مود است و به قول حکیمی «به خاطر خالی نبودن عریضه و یا تمین و تبرک و یا داشتن مستندی مردم‌پسند».



حال آنکه می‌شود «مسئله داشت و برای یافتن جواب آن به‌سوی قرآن دودید» و اگر اشکال ندارد همین اندازه ساده بگوییم: «قرآن را باید با سؤال کاوید و از آن انتظار پاسخ داشت تا بهره بهتر و بیشتر برد.» اینگونه به مرور گوش ما می‌افتد روی همان فرکانسی که قرآن در آن سخن می‌گوید. همین مطلب ساده اقتدر مهم است که تر جیح می‌دهم باز از زاویه‌ای دیگر و با بیان تمثیلی بزرگی بر آن تأکید کنم که فرمود: «یک داروخانه مجیزه که تمام داروها را در دل گرفته، ناچار برای هر درد، درمانی دارد و برای هر بیماری، شفایی. هر گرفتاری که به داروی درد خویش برسد و آن را بررسی و از آن برداشت کنی، بهره‌مند خواهی شد ولی این بیمار نمی‌تواند از دم دست شروع کند و تمام داروها را ببлед تا به درمانی برسد. نمی‌تواند به حکم قرع داروی خویش را بباید. باید داروی او را در دسترسش بگذارد تا او بهره‌بردار د و شفا بگیرد.» البته پیش‌تر باید درد و نیاز خویش را بشناسد و بداند دنبال چه می‌گردد!

«قرآن کتابی است که برای هر درد درمانی دارد و کتابی است که برای هر کس هدایتی دارد و شفایی می‌آورد. برای یک بیمار گاهی بیش از یک آیه لازم نیست. اگر تمام قرآن را بررسی کنی و این آیه را کنار بگذاری، درمان نخواهد شد و شفایی نخواهد گرفت و اگر فقط همین یک آیه را ببیند و همان آیه برایش تلاوت شود و در آن ندر کند از آن بهره نبرد، او بهرمانند خواهد شد ولی نام بیت‌الله نامیده است. نسبت بعضی از آنها را به‌خود، یک نسبت خاصی قرار داده است و برای بعضی از مخلوقات ویژه، امتیاز و تشریفی قائل شده و با نسبت دادن آنها به‌خود، شرفی را برای آنها قرار داده است. به‌عنوان مثال کعبه را خانه خود نامید. در جهان مسجد فراوان است. علاوه بر اینکه همه بقعه‌های زمین و عالم برای خداست. ولی در میان همه آنان جایی را به نام خانه خود به نام بیت‌الله نامیده است. در میان زمان‌ها نیز بعضی زمان‌ها را به‌خود نسبت داده است مثل ماه رمضان. در خطبه‌ای که پیغمبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم در استانه‌ماه رمضان ایراد فرموده‌اند، می‌فرمایند: «قَدْ أَقْبَلْ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبَرِّ وَ الْإِحْمَةِ وَ الْمَغْفَرَةِ»؛ شاید نخستین کسی که ماه رمضان را ماه خدا نامیده پیغمبر اکرم(ص) باشد. پیامبر(ص) گرفت و بیهوده سخن نمی‌گویند، اگر این سخن وحی الهی هم نباشد، شاید از الهامات الهی باشد. با این‌وصف‌ماه رمضان شرافت یافته و ماه خداست. پرسش این است که خداوند چرا ماهی از ماه‌های سال را به نام خود نامیده و منتسب کرده است؟

«تشریف» و شرافت دادن یک نسبت اعتباری و عقلانی است که براساس حکمت انجام می‌پذیرد. آنچه از سوی خدای متعال به‌صورت تشریف از آنجاست می‌گیرد، برای آن است که ما اهمیت آن را درک کنیم. خانه‌ای را که خدا به نام «بیت‌الله» نامیده در ظاهر جسم جمادی بیش نیست. این نامگذاری برای آن است تا انسان‌ها اهمیت آن مکان را درک کرده، در آنجا گره هم آمده و از فیض و برکات و رحمت الهی بهره‌مند گردند. چرا که رحمت خدا و فیوضات الهی در آن مکان بیشتر ظهور پیدا می‌کند و مردم در آن مکان به خدا بیشتر نزدیک می‌شوند. در ماه خدا نیز رحمت الهی بیشتر نازل می‌شود و مردم می‌توانند از

## اندیشه



# بوته‌ای برای زر ناب شدن

ویژگی های ماه مبارک رمضان به روایت آیت‌الله مصباح یزدی <sup>ره</sup>

آنچه در ادامه از نظر می‌گذرد، گزیده‌ای از سخنان آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی(ره) در دفتر مقام معظم رهبری در قم است که در تاریخ ۱۶/۰۶/۸۷ مطابق با شنب ششم‌ماه مبارک رمضان ۱۴۲۹/ایراد شده است. ایشان با عنایت به بخشی از عای چهل و چهارم صحیفه سجاده‌یه به تشریح ویژگی‌های ماه مبارک رمضان می‌پردازند که در ادامه تلخیصی از گفته‌های ایشان تقدیم می‌شود.

متن کامل و صوت این جلسه در وب‌سایت **mesbahyazdi.ir** در دسترس است. امید آنکه با درک بیشتر معارف الاهی‌بیش از پیش در مسیر بندگی درماه پر فیض و رمضان، کوشا باشیم و قدر ایام‌الله را آطور که شایسته آن است، بدانیم.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مِنْ تِلْكَ الشُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ، شَهْرَ الصَّيَامِ، وَ شَهْرَ الْإِسْلَامِ، وَ شَهْرَ الطَّهْوَرِ، وَ شَهْرَ التَّمْحِيصِ، وَ شَهْرَ الْقِيَامِ، الَّذِي أُزِيلَ فِيهِ الْقُرْآنُ، هُدًى لِلنَّاسِ، وَ تِبْيَاتٌ مِّنَ الْهُدَى وَ الْفُرْقَانِ

دهایی که حضرت امام سجاد صلوات‌الله علیه در آغاز ماه رمضان تلاوت می‌کردند یا چند حمد آغاز شده است... در فراز سوم برخی از راه‌هایی که به رضوان الهی ختم می‌شوند را مورد حمد قرآن می‌دهد. یکی از راه‌ها ماه رمضان است. در این فراز اوصافی برای ماه رمضان می‌فرماید.

##### شهرالله

نخستین توصیفی که در این فراز از دعا برای ماه رمضان مطرح می‌شود آن است که این ماه را ماه خدا معرفی می‌کند. با اینکه همه ماسوسی‌الله، مخلوق خدا هستند اما خدا در میان مخلوق‌ها، نسبت بعضی از آنها را به‌خود، یک نسبت خاصی قرار داده است و برای بعضی از مخلوقات ویژه، امتیاز و تشریفی قائل شده و با نسبت دادن آنها به‌خود، شرفی را برای آنها قرار داده است. به‌عنوان مثال کعبه را خانه خود نامید. در جهان مسجد فراوان است. علاوه بر اینکه همه بقعه‌های زمین و عالم برای خداست. ولی در میان همه آنان جایی را به نام خانه خود به نام بیت‌الله نامیده است. در میان زمان‌ها نیز بعضی زمان‌ها را به‌خود نسبت داده است مثل ماه رمضان. در خطبه‌ای که پیغمبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم در استانه‌ماه رمضان ایراد فرموده‌اند، می‌فرمایند: «قَدْ أَقْبَلْ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبَرِّ وَ الْإِحْمَةِ وَ الْمَغْفَرَةِ»؛ شاید نخستین کسی که ماه رمضان را ماه خدا نامیده پیغمبر اکرم(ص) باشد. پیامبر(ص) گرفت و بیهوده سخن نمی‌گویند، اگر این سخن وحی الهی هم نباشد، شاید از الهامات الهی باشد. با این‌وصف‌ماه رمضان شرافت یافته و ماه خداست. پرسش این است که خداوند چرا ماهی از ماه‌های سال را به نام خود نامیده و منتسب کرده است؟

«تشریف» و شرافت دادن یک نسبت اعتباری و عقلانی است که براساس حکمت انجام می‌پذیرد. آنچه از سوی خدای متعال به‌صورت تشریف از آنجاست می‌گیرد، برای آن است که ما اهمیت آن را درک کنیم. خانه‌ای را که خدا به نام «بیت‌الله» نامیده در ظاهر جسم جمادی بیش نیست. این نامگذاری برای آن است تا انسان‌ها اهمیت آن مکان را درک کرده، در آنجا گره هم آمده و از فیض و برکات و رحمت الهی بهره‌مند گردند. چرا که رحمت خدا و فیوضات الهی در آن مکان بیشتر ظهور پیدا می‌کند و مردم در آن مکان به خدا بیشتر نزدیک می‌شوند. در ماه خدا نیز رحمت الهی بیشتر نازل می‌شود و مردم می‌توانند از

فیوضات الهی بیشتر بهره ببرند. پیامبر خدا(ص) در آن خطبه معروف فرمودند «ذُعَيْمٌ فِيهِ إِلِي ضَيْفَ اللَّهِ» این ماه‌ماه خداست برای اینکه در این ماه شما به مهمانی خدا دعوت شده‌اید. از همین رو نام این‌ماه را «شهرالله» می‌نامند چون راه برای رسیدن انسان به رحمت و رضوان الهی باز است.

##### شهر رمضان

ویژگی دوم در معنای «شهر رمضان» نهفته است. اینان، مفسرین و محدثین مطالبی درباره معنای این‌ماه گفته‌اند. چه در روایات شیعه و چه در روایات اهل سنت نقل شده است که «رمضان» اسم خداست و نباید گفته شود که «رمضان» آمد. باید گفت «شهر رمضان» یا «ماه رمضان» آمد. برخی دیگر ریشه کلمه رمضان را «رض» به‌معنای شدت حرارت و سوزش دانسته‌اند. نخستین زمانی که‌ماه رمضان به این نام نامیده شده، در نهایت شدت گرم ماه بوده است. در مقابل یکی از ماه‌ها،ماه ربیع به معنی بهار را نامگذاری کرده‌اند. اگرچه این اسم‌ای به بهار و تابستان تطبیق نمی‌کند. این ماه‌ها گاهی در بهار و گاهی در پاییز و گاهی در زمستان است ولی دوماه قمری به نام ربیع نامیده می‌شود؛ ربیع‌الاول و ربیع‌الثانی. اهل ادب و لغت گفته‌اند دلیلش آن است که نخستین زمانی که این ماه را نامگذاری کرده‌اند در فصل بهار بوده است. از بین این نظرات آنچه روشن است این نکته است که در قرآن نامی از ماه، صفر، ربیعین، جمادین وجود ندارد و تنها ماه رمضان است که ذکر شده «شهر رمضان» این نشان می‌دهد که خدای متعال به این ماه عنایت خاصی داشته که اسم این‌ماه را در قرآن آورده است. اسمی که خدا برای این‌ماه پسندیده و این‌ماه را به این اسم نامیده و نام‌یز باید از آن به این نام بنامیم.

##### شهر الصیام

سومین ویژگی این‌ماه این است: «شَهْرُ الصَّيَامِ». خدای متعال یک‌ماه تمام را به نسام ماه روزه و ماهی که در آن روزه واجب است معرفی کرده است. شاید به این جهت که چون عنایت خدای متعال به این‌ماه بیش از ماه‌های دیگر و زمینه استفاده از رحمت‌های خدا و برکات الهی بیشتر فراهم است، انسان باید با گرفتن روزه از آن قدردانی کند.

##### شهرالاسلام

ویژگی چهارم این‌ماه «شَهْرُ الْإِسْلَامِ» است. درباره این فراز دو وجه معروف ذکر شده است. نخست آنکه کلمه اسلام در اینجا به‌معنای لغوی آن به کار رفته است؛ یعنی ماه تسلیم. در این ماه انسان باید آماده باشد که بیشتر از ماه‌های دیگر هر چه خدا می‌گوید باید عمل کند. پیش از طلوع فجر می‌گوید خدا بپوشید؛ سیده دم که شد باید امساک نمایید. در بسیاری از خواسته‌هایی که در ماه‌های دیگر حلال است باید خودداری کنید. در همه حال باید تسلیم امر او باشید. اگر چه

انسان باید همیشه تسلیم خدا باشد اما چون در این‌ماه تکالیف بیشتری وجود دارد، تسلیم، ظهور بیشتری پیدا می‌کند. بعضی دیگر بر این باورند از این جهت «شَهْرُ الْإِسْلَامِ» گفته شده، که این ماهی است که خدا به اُمت اسلامی اختصاص داده است و هیچ امت دیگری ماه رمضان ندارند. ممکن است دیگر ادیان روزه واجب داشته باشند اما اینکه خدا ماهی به نام ماه رمضان، برای آنان تعیین کرده باشد وجود ندارد. این‌ماه فقط به امت آخرالزمان اختصاص یافته است.

علاوه بر این دو مطلب، وجه سومی را نیز می‌شود عنوان کرد. در این‌ماه آثار اسلام بیشتر از ماه‌های دیگر ظهور دارد، تصور کنید اگر یک شخص غیرمسلمان، درماه رمضان و در شهرهای اسلامی شود، و ویژگی‌ها خاص این‌ماه را در جامعه اسلامی ببیند، متوجه می‌شود که این شهر با شهرهای دیگر تفاوت دارد. در این‌ماه ستورن‌ها بسته است. مردم غذا نمی‌خورند و غالباً حالت خضوع دارند و سربه زیر و آرام هستند. همه مشغول عبادت هستند. توجه به خدا بیشتر است و گناه کمتر انجام می‌شود. اگر غیرمسلمانان بپرسند: مردم اینجا به چه مذهبی ایمان دارند؟ پاسخ می‌شوند: اینجا سرزمین اسلام است.

##### شهر الطهور

ویژگی پنجم این‌ماه « شَهْرُ الطَّهْوَرِ» است. اصل کلمه «طهور» به معنی پاک و پاکیزه یا پاک‌کننده است.ماه رمضان،ماه‌طهور نامیده شده است؛ ماهی که آلودگی‌ها را از بین می‌برد. بیشتر مردم در ماه‌های سال آلودگی‌هایی پیدا می‌کنند. آلودگی‌هایی که انسان را از خدا دور می‌کند یعنی گناه. براساس حکمت و تدبیر الهی‌ماه رمضان در میان ماه‌ها، این خاصیت را یافته که مردم وقتی در این‌ماه احکام شرع را رعایت کنند و احترام آن را نگه بدارند از آلودگی‌ها پاک می‌شوند. روزه، تلاوت قرآن و دعاهایی که در این‌ماه خوانده می‌شود باعث ریزش گناهان و تمیز شدن روح انسان از آلودگی‌های می‌شود. به‌ویژه آنکه انسان اگر بتواند موفق به توبه و استغفار شود از تمام آلودگی‌ها طاهر و پاک می‌شود. این‌ماه چنین ظرفیتی دارد که اگر انسان از آن به‌خوبی استفاده کند در پایان‌ماه مثل انسانی می‌شود که روز اول از مادر متولد شده است. اگر چه رسیدن به این مرحله مشروط به رعایت دقیق شرایط و عبادت خاص در این‌ماه است. البته اگر کسی از این‌ماه درست استفاده نکرد، از قابلیت‌های ماه رمضان چیزی کم نمی‌شود. خدا این‌ماه را‌ماه‌طهور و پاکیزگی قرار داده و این ظرفیت و قابلیت را، در این‌ماه قرار داده تا آلودگی‌های انسان را بشوید و پاک کند.

##### شهر التمحیص

ویژگی ششم «وَ شَهْرُ التَّمْحِيصِ» است. کلمه تمحیص هم در قرآن کریم به کار رفته است: «وَ لِيَمْحَصَنَّ مَا فِي قُلُوبِكُمْ» بعضی گفته‌اند: تمحیص به معنی تطهیر است، بعضی دیگر آن را به معنی جدا کردن خوب و بد و سره از ناسره می‌دانند. به تعبیر آشکارتر پاک کردن هر چیزی از آلودگی و بیشتر شیبه من شویبد.»

ماه رمضان فرصتی است برای اینکه انسان بیش از ماه‌های دیگر، شب‌ها را به عبادت بپردازد. نه اینکه به تماشای فیلم و امور بیهوده بپردازد. آخرین ویژگی این‌ماه که در دعا اشاره فرموده‌اند این فراز است: «الَّذِي أُزِيلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَ تِبْيَاتٌ مِّنَ الْهُدَى وَ الْفُرْقَانِ.»

اندیشه عبادت

## شمه‌ای از نماز عارفین و سلوک معنوی اهل سلوک

کتاب شریف «سرا الصلوه» یا «معراج السالکین و صلوه‌العارفین» اثری است از حضرت امام خمینی(ره) که در سال ۱۳۱۸ به رشته تحریر درآمده است. این کتاب هدیه‌ای از سوی حضرت امام(ره) به یساذگار خود حاج

سیداحمد خمینی(ره) است؛ حضرت امام(ره) در طلیعه کتاب آورده‌اند: «فرزند کتابی را که به تو هدیه می‌کنم شمه‌ای است از صلاه عارفین و سلوک معنوی اهل سلوک؛ هر چند قلم مثل منی عاجز است از بیان این سفرنامه. و اعتراف می‌کنم که آنچه نوشته‌ام از حد الفاظ و عباراتی چند بیرون نیست و خود تاکنون بارقه‌ای از شمه دست نیافتیم. پسر م آنچه در این معراج است غایه‌القصای آمال اهل معرفت است که دست ما از آن کوتاه است. لکن از عنایت خداوند رحمان نباید مأیوس شویم که او جل و علا دستگیر ضعفا و معین فقر است.» این کتاب در دو بخش، مقاله اولی با موضوع مقدمات نماز و مقاله ثانیه با موضوع مقارنات نماز تنظیم شده است. در مقاله اولی به اسرار تطهیر، فلسفه تشریح وضو و بیان مفاهیم عرفانی آن، اسرار وقت و سر استقبال به کعبه پرداخته شده است. مقاله ثانی نیز به اسرار اذان و اقامه، قیسم، نیت، تکبیرات، قرائت، استعاذه، رکوع، سجود، تشهد و سلام اختصاص دارد و در خلال بحث نیز اشاره اجمالی به تفسیر سوره شریفه حمد شده است. ختمه کتاب نیز در باب تکبیرات ثلاثه اختتامیه نماز است و دعا و ختم پرداخته شده است. آیت‌الله العظمی عبدالله جوادی آملی(حفظه‌الله) نیز مقدمه‌ای مسوط در ابتدای کتاب نگاشته‌اند که طی آن اسرار مراتب نماز را از نگاه خویش بیان داشته‌اند.

انسان در عرف قرآن

## نامه‌هایی برآمده از دل که بر دل می‌نشیند

«نامه‌ها بر نامه‌ها» اثر ماندنی و گرانقدر از استاد علامه آیت‌الله حسن حسن‌زاده آملی(ره) به زبان فارسی است. حضرت علامه(ره) خود در معرفی کتاب نوشته‌اند: «کتاب حاضر طایفه‌ای از منشئات و مراسلات این کمرترین، حسن حسن‌زاده آملی است که برای برخی از خواص دوستان و آشنایمان نگاشته‌ام و چون مفاد اکثر آنها دستورالعمل مستفاد از مضامین آیات قرآنی و روایات اهل بیت صمت و وحی است، شایسته به نام «نامه‌ها بر نامه‌ها» شده است.»

علامه(ره) خواندن این اثر را به بسیاری از جوانانی که خواهان توحیه و نصیحتی از سوی ایشان بودند سفارش می‌کردند. کتاب، بدون هیچ مقدمه‌ای آغاز شده و مشتمل بر ۴۷ نامه است که حضرت استاد در پاسخ به نامه‌های دوستان و مسئولان نگاشته‌اند و در ضمن آن به نکات و مواظ عرفانی و اخلاقی و اشعار بسیار نابی اشاره داشته‌اند. برخی از نامه‌ها، در واقع تقریظ‌ها و مقدمه‌هایی است که علامه حسن‌زاده(ره) برای کتاب‌های مختلف نگاشته‌اند. همچنین نثر و شیوه نگارش نامه‌ها بسیار صمیمی و دلنشین است و همانطور که از دل علامه حسن‌زاده(ره) برآمده‌اند بر دل خوانندگان می‌نشیند.

اخلاقی بندگی

### غیبت؛ آفت بزرگ زبان

غیبت از جمله ردایل اخلاقی است. خداوند به موسی وحی کرد که غیبت کننده اگر توبه کرد، آخرین کسی است که او را بهشت می‌شود و اگر توبه نکرد، نخستین کسی است که وارد جهنم می‌شود. کتاب «غیبت» جلد نهم از

سلسله کتاب‌های جلسات اخلاقی، عرفان و معارف اسلامی آیت‌الله‌العظمی حاج آقای مجتبی تهرانی(ره) با موضوع آفات زبان است که در ۱۰ جلسه تنظیم شده و در هر جلسه در برخی مباحث مسئله غیبت می‌پردازد. در جلسه نخست به بیان تفاوت‌های نگاه فقهی و اخلاقی به غیبت پرداخته شده است و دلایل حرمت شرعی غیبت بیان شده. در جلسه دوم مفهوم غیبت و اقسام غیبت و در جلسه سوم منشأ غیبت در وجود آدمی واکاوی شده است. جلسه چهارم به روش‌های رد غیبت و مثال‌هایی از چگونگی رد غیبت و جلسه پنجم آثار ندیوی، اخروی و معنوی غیبت به بحث گذاشته شده است. جلسه ششم و هفتم به راه‌های علمی و عملی درمان غیبت و آثار مثبت غیبت‌نکردن اختصاص دارد. جلسه هشتم و نهم استثناهای غیبت بررسی و در جلسه دهم به کاره غیبت اشاره شده است. مبنای این کتاب، بحث اخلاقی در مورد غیبت است، اگر چه در برخی قسمت‌ها به احکام فقهی غیبت و فتاوی فقه‌ا نیز اشاره می‌شود.

این کتاب از سوی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله حاج‌آقا مجتبی تهرانی(ره) و مؤسسه پژوهشی فرهنگی مصباح‌الهدی به چاپ رسیده و در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد.